



رضا میرآفتابزاده

انجمن حسابداران خبره‌ی ایران:

چند دهه‌ی پرافراز و فرود

چند روز پیش، به‌منظور تمدید اعتبار عضویت خود، راهی محل قدیمی انجمن شدم. این‌جانب که از اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۵ به دعوت استاد ارجمند، شادروان حسن سجادی‌نژاد، در مؤسسه‌ی حسابرسی دقیق، کار حرفه‌ای خود را شروع کردم و در حال حاضر از قدیمی‌ترین حساب‌رسان مستقل کشور هستم، در بدو ورود به طبقه‌ی دوم ساختمان، به یاد خاطرات سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۱ خورشیدی افتادم. در آن دوران قانون جدید مالیات‌های مستقیم در اسفندماه ۱۳۴۵ به تصویب رسیده بود که در مواد و تبصره‌های فصل هفتم قانون مزبور، شرایط انتخاب حسابداران رسمی، وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های آن‌ها پیش‌بینی شده بود، همچنین چگونگی تشکیل کانون حسابداران رسمی با مشارکت کلیه‌ی افراد واجد شرایط که به‌عنوان حسابداران رسمی انتخاب می‌شوند، به‌طور صریح پیش‌بینی شده بود.

قبل از تصویب قانون مالیات‌های مستقیم در اسفندماه ۱۳۴۵، فعالیت‌های حرفه‌ای به‌عنوان حسابرسی مستقل، منحصر به دفتر حسابرسی

شادروان فواد مجذوب (از اوایل سال ۱۳۴۲) و هم‌چنین تأسیس مؤسسه‌ی حسابرسی دقیق (اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۵)، توسط استاد ارجمند شادروان حسن سجادی‌نژاد به همراه یک شریک انگلیسی به‌نام ترنس جان گروو و نیز شادروان شاهرخ بهنام بود (هر سه نفر شرکای مؤسسه و دارای عنوان A, C بودند).

شادروان شاهرخ بهنام و همچنین شادروان حسن سجادی‌نژاد، در زمان تأسیس مؤسسه‌ی حسابرسی دقیق، هنوز در شرکت ملی نفت ایران شاغل بود و به‌صورت پاره‌وقت در مؤسسه‌ی دقیق حضور می‌یافتند. این‌جانب که در آن زمان در سازمان بیمه‌های اجتماعی شاغل بودم و قبلاً در آموزشگاه عالی حسابداری شرکت ملی نفت ایران، شاگردی استاد ارجمند شادروان حسن سجادی‌نژاد را داشتم، بنا به‌دعوت آن بزرگوار که به‌حق به پدر حسابداری در ایران شهرت یافته بود، به‌عنوان اولین عضو مؤسسه‌ی دقیق به صورت تمام‌وقت، مشغول به کار شدم (با استفاده از مرخصی بدون حقوق از سازمان بیمه‌ی اجتماعی) و این شانس بزرگ را به‌دست آوردم

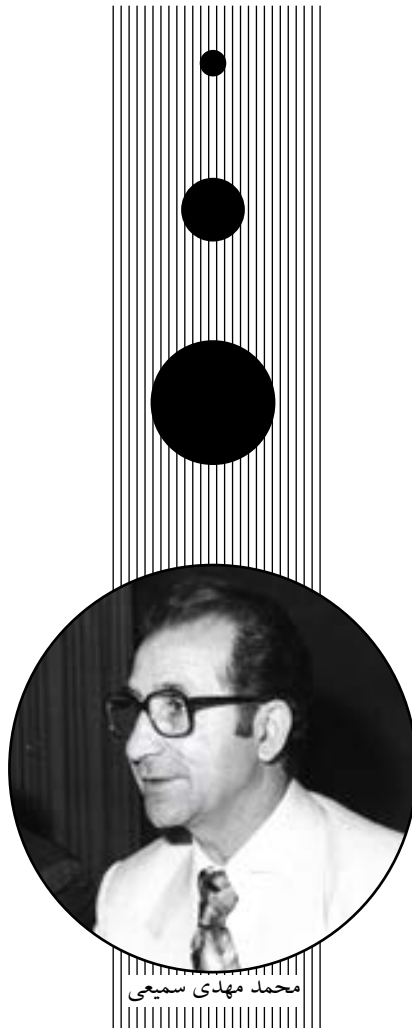
تا با یک حسابرس باتجربه و کاملاً حرفه‌ای به نام ترنس جان گروو همکاری خود را به‌عنوان کارآموز حسابرسی شروع کنم و درس‌های بسیار زیادی از وی بیاموزم.

قانون مالیات‌های مستقیم که بیش‌تر از قوانین کشورهای پیشرفته‌ی بلژیک و فرانسه الهام گرفته بود و توسط استادان مالیاتی به‌نامی چون شادروان محسن هادوی (معاون وقت درآمدهای مالیاتی وزارت دارایی)، شادروان نوری رضوی (ملقب به قانون متحرک)، شادروان دکتر یزدان‌بخش (مدیر کل دفتر فنی مالیاتی) و هم‌چنین دکتر حسنعلی رجایی که بعداً به‌عنوان معاون وزیر در امور مالیاتی منصوب شد، تهیه و تدوین شده بود به تصویب رسید. از اوایل سال ۱۳۴۶، تلاش گسترده‌ای توسط فارغ‌التحصیلان حسابداری در خارج از شرکت (عمدتاً کشور انگلستان)، شروع شد تا عنوان حسابدار رسمی منحصراً به فارغ‌التحصیلان خارج از کشور داده شود و کانون حسابداران رسمی که در قانون مالیات‌های مستقیم پیش‌بینی شده بود، منحصراً از فارغ‌التحصیلان خارج

از کشور تشکیل شود. این تلاش بی‌وقفه‌ی فارغ‌التحصیلان خارج، با عکس‌العمل شدید عده‌ی انگشت‌شمار فارغ‌التحصیلان داخل کشور (فوق لیسانس‌های حسابداری از آموزشگاه عالی حسابداری شرکت ملی نفت ایران که به‌عنوان حسابرس مستقل مشغول به کار بودند)، مواجه شد و در نهایت موضوع به‌اندازه‌ای جدی شد تا این‌جا به همراه دوستان عزیزم آقایان بهروز وقتی و محمدصادق بهشتی‌زاده، مرحوم عزیزاله اعلامیان، داوود خمارلو، حسن حیاط‌شاهی، علی ابریشمیان و با هم‌یاری و هم‌صدایی تنی چند از فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حسابداری از جمله آقایان طغرل آذر، اردشیر بینش اقولی، شادروان احمد زینی و دیگران، مبارزه‌ی خود را برای احقاق حقوق فارغ‌التحصیلان داخل کشور آغاز کردیم که نهایتاً کار به‌جایی انجامید که در اثر تماس‌ها و تلاش‌های جمعی ما با مقامات وزارت دارایی، بالاخره با درخواست مصرانه ما از طرف وزارت دارایی از انستیتو C.P.A (انجمن حسابداران رسمی آمریکا) درخواست شد تا با اعزام نمایندگان واجد شرایط به ایران، اوضاع و احوال حرفه و وضعیت مؤسسه‌های حسابرسی به‌وجود آمده توسط فارغ‌التحصیلان ایران و خارج مورد بررسی و ارزشیابی قرار گیرد. در نتیجه، در گزارش نهایی نمایندگان اعزامی هر گونه اقدام حرفه‌ای از جمله تأسیس کانون یا انجمن حرفه‌ای در ایران، باید با مشارکت و مباشرت گروه فارغ‌التحصیلان ایران و خارج از کشور، صورت گیرد.

با توجه به مطالبی که در بالا به اختصار بیان شد، در سال ۱۳۵۰ (در آن زمان تعداد حسابداران رسمی در طول سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ به بیش از ۳۰ نفر بالغ می‌شد)، با مشارکت افراد واجد شرایط کانون حسابداران رسمی تشکیل شد و اولین هیأت مدیره‌ی آن به ریاست شادروان ابوالقاسم خردجو (ریاست هیأت مدیره و مدیر عامل وقت بانک توسعه‌ی صنعتی) و با نایب رئیس شادروان ضیاءالدین شهیدی (معاون وقت بانک مرکزی ایران و استاد ارجمند رشته‌ی

مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌ها توسط مأموران تشخیص مالیاتی بر علیه حسابداران رسمی آغاز شد؛ به‌طوری‌که شادروان فواد مجذوب که در صراحت لهجه برای ابراز عقاید حرفه‌ای خود مشهور و در امر حسابرسی استاد کم‌نظیری بود، شروع به اعتراض‌های مستدل، منطقی، قانونی و حرفه‌ای بر علیه تعدادی از هم‌میزان کل و سایر مأموران تشخیص مالیاتی کرد که با ایرادها و بهانه‌جویی‌های غیراصولی، گزارش‌های حسابداران رسمی را زیر سؤال می‌بردند. این اعتراض‌ها و نیز مناقشات بین شادروان فواد مجذوب از یک طرف با تعدادی از هم‌میزان کل از طرف دیگر تا جایی پیش رفت که وزیر وقت دارایی درصدد حمایت از مأموران تشخیص برآمد و چون شادروان مجذوب با توجه به خصوصیات اخلاقی که داشت، هیچ‌گاه خود را عضو کانون حسابداران رسمی تلقی نکرده بود، لذا کانون نیز عملاً قادر به دفاع از نام‌برده نبود. این امر موجب شد تا شادروان فواد مجذوب در نهایت سلامت رفتار و کردار حرفه‌ای، عملاً بار همه‌ی مسئولیت‌ها را شخصاً و به‌تنهایی بر عهده بگیرد و در نتیجه امر حسابرسی مالیاتی را کنار بگذارد و به این ترتیب برداشت‌های مغرضانه و ناصواب تعدادی از مأمورین تشخیص بر علیه حسابداران رسمی قوت بیشتری گرفت و هر روز ایرادهای بی‌اساس به اعضای کانون شدت یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه کثیری از مأموران تشخیص مالیاتی به راهبری یکی از صاحب‌منصبان مالیاتی به اتفاق دو نفر از حسابداران رسمی و با مشارکت تنی چند از کارکنان وقت شرکت حسابرسی وزارت دارایی که همگی به همراه گروه دیگر، از اعضای انجمن اسلامی حسابداران بودند (که هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی تشکیل شده بود)، از موقعیت و شور حاکم بر جامعه، در یک فضای خالی (و در حقیقت خلاء حرفه‌ای) بر علیه حسابداران رسمی به‌پا خاستند و بدون هیچ‌گونه بررسی و مطالعه‌ی قبلی در خصوص نحوه‌ی کار حسابداران رسمی و نیز روش‌های اعمال نظارت کانون بر رفتار و



محمد مهدی سمیعی

حسابداری) و با دبیری آقای بهروز وقتی و نیز مشارکت دو تن از حسابداران رسمی به عنوان اعضای هیأت مدیره، تشکیل شد و کار خود را آغاز کرد که تا اواسط سال ۱۳۵۸ فعالیت آن ادامه یافت.

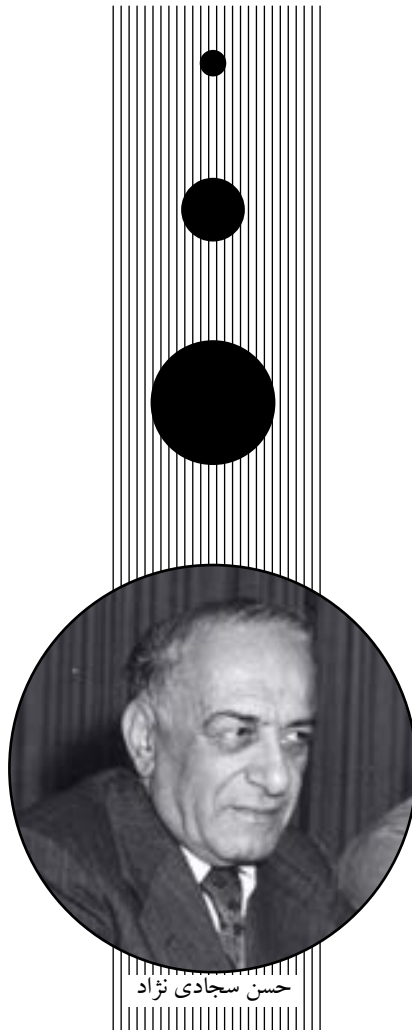
باید به این امر مهم توجه داشت که چون امر حسابرسی مالیاتی (تعیین درآمد مشمول مالیات اشخاص حقیقی و حقوقی به‌موجب مواد فصل هفتم قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۴۵) از جمله اختیارات و وظایف حسابداران رسمی شناخته شده بود، از ابتدای تشکیل کانون حسابداران رسمی و آغاز به کار حسابداران رسمی، این امر مأموران تشخیص مالیاتی را ناخشنود و اکثراً ناراحت و عصبانی ساخت. در نتیجه از همان اوایل کار

کردار اعضای خود... موفق شدند با تصویب مصوبه‌های خاص، فصل هفتم قانون مالیات‌های مستقیم را به‌طور کامل از قانون مزبور حذف کنند و به‌این ترتیب امور مربوط به تعیین درآمد مشمول مالیات توسط حسابدار رسمی را که از طریق انجام مراحل مختلف حسابرسی مالیاتی حاصل می‌شد عملاً به روش‌های سنتی تعیین مالیات بر درآمد مؤدیان مالیاتی (که قبل از تصویب و اجرای قانون سال ۱۳۴۵ اجرا می‌شد) برگرداندند و این امر مهم و اساس را بار دیگر بر عهده‌ی مأموران تشخیص مالیاتی گذاشتند.

گفتنی است افراد مذکور که با هدف خدمت به انقلاب اسلامی به چنین اقدامی مبادرت کردند، می‌توانستند با کمی بررسی و آشنایی با مقررات و ضوابط داخلی قانون حسابداران رسمی و ملاحظه‌ی پرونده‌ها و تصمیم‌های گرفته‌شده در کمیته‌های مربوط به قانون، در صورتی که نقصانی در اجرای ضوابط حاکم ملاحظه می‌کردند درصدد رفع آن‌ها برآمده و با تقویت قانون حسابداران رسمی و انطباق آن با شرایط انقلابی، این قانون را که نهادی قانونی و متکی به استانداردها و ضوابط حرفه‌ای بود، مورد حمایت قرار دهند؛ نه این که بدون هیچ‌گونه تحقیق و بررسی، به یک‌باره تیشه به ریشه‌ی قانون بزنند.

اقدام شتاب‌زده و احساسی فوق‌موجب شد تا قانون حسابداران رسمی عملاً منحل و حسابداران رسمی نیز از اختیارات و وظایف و عنوان قانونی خود محروم شوند. نگارنده اطمینان دارد، افرادی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، صرفاً تحت تاثیر احساس‌های ناشی از وقوع انقلاب اسلامی و با قصد و نیت خدمت، مبادرت به چنین بی‌عدالتی در حق حسابداران رسمی که اکثریت آن‌ها معتقد به رعایت اصول و استانداردهای حرفه‌ای بوده و هستند، نمودند و برای حدود بیست سال به‌طور کامل بخش‌های دولتی، خصوصی و نهادهای انقلابی را از خدمت حرفه‌ای مستقل و کارآمد محروم ساختند.

نگارنده که از زمان تشکیل قانون حسابداران



حسن سجادی نژاد

رسمی با سمت رئیس کمیته‌ی انضباطی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در جریان تخلف‌ها، اهمال‌کاری‌ها و بی‌اعتنایی برخی از حسابداران رسمی به رعایت آیین رفتار حرفه‌ای قرار داشتم، لازم می‌دانم تا در مورد شکایت‌ها و گزارش‌های دریافتی درباره‌ی شماری از حسابداران رسمی توضیحات لازم را به اطلاع اعضای حرفه و مقام‌های مربوط دولتی برسانم. در سال‌های آخر قبل از انقلاب اسلامی حدود ۳۰ فقره گزارش در مورد تخلفات تعدادی از حسابداران رسمی به قانون منعکس شده بود که بر اساس مقررات حاکم در قانون، این گزارش‌ها ابتدا در کمیته‌ی رسیدگی به شکایت‌ها که به ریاست آقای داوود خمارلو تشکیل می‌شد، مورد بررسی دقیق واقع می‌شد و در نتیجه حدود ۲۰ فقره از

آرای کمیته‌ی مذکور بر اساس اعتراض‌های وارده به کمیته‌ی انضباطی قانون ارجاع شده بود که پس از بررسی‌های کافی و مشاهده‌ی پرونده‌های حسابرسی و توضیح حسابداران رسمی مربوط، کمیته‌ی انضباطی رأی کمیته‌ی رسیدگی به شکایات را در مورد ۱۷ حسابدار رسمی وارد دانست و مورد تأیید قرار داد. لازم به توضیح است در مورد نتایج آرای کمیته‌ی انضباطی، این جانب شخصاً با شادروان ابوالقاسم خردجو ریاست وقت قانون ملاقات کردم و توضیح‌های مفصلی به ایشان دادم، که وی ضمن قدردانی از کمیته‌های رسیدگی به شکایت با تأکید فراوان خواستار ارسال آرا به شورای عالی قانون به‌منظور صدور آرای قطعی شدند. اما به‌علت هم‌زمان بودن این اقدامات با جو انقلابی ماه‌های آخر قبل از انقلاب اسلامی جلسه‌های شورای عالی قانون تشکیل نشد و بعد از انقلاب نیز همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، قانون حسابداران رسمی عملاً منحل و عنوان حسابدار رسمی نیز نقض گردید.

ضربه‌ای که به سبب انحلال قانون حسابداران رسمی به حرفه‌ی حسابرسی مستقل ایران وارد شد و برای حدود ۲۰ سال به‌طور کامل بخش‌های دولتی و خصوصی را از خدمات حرفه‌ای مستقل محروم کرد، هیچ‌گاه برای اعضای واقعی حرفه و علاقه‌مندان به استفاده از خدمات حرفه‌ای مستقل، قابل بخشش نخواهد بود. زیرا به وجود آمدن نهادهایی چون سازمان حسابرسی صنایع ملی، سازمان حسابرسی بنیاد مستضعفان، سازمان حسابرسی بنیاد شهید و بعداً ادغام آن‌ها در یکدیگر و تشکیل سازمان حسابرسی، یکایک سازمان‌های وابسته به دولت و نهادهای انقلابی بوده و هیچ‌گاه از استقلال کامل که مهم‌ترین اصل در امر حسابرسی حرفه‌ای است، برخوردار نبوده و نخواهند بود. گرچه می‌توان از این‌گونه سازمان‌ها به‌عنوان حسابرس داخلی دولت و با نهادهای ذی‌ربط نام برد که در جای خود می‌توانند در تصمیم‌های گرفته‌شده و برنامه‌ریزی‌های مربوط در سازمان‌های دولتی و

نهادهای انقلابی بسیار مفید و مؤثر باشند.

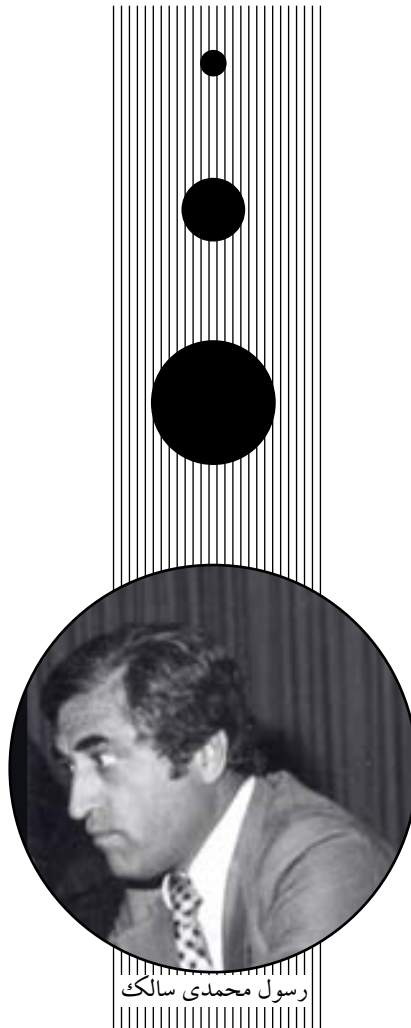
اما در مورد تشکیل و تأسیس انجمن حسابداران خبره باید توضیح داد که پس از تأسیس کانون حسابداران رسمی و تبعیت فارغ‌التحصیلان خارج، از تصمیم‌های مقام‌های وزارت دارایی، این فارغ‌التحصیلان درصدد تأسیس یک انجمن حرفه‌ای مستقل برآمدند تا به‌طور موازی و هم‌پای کانون حسابداران رسمی به پیش برود. اما از آن‌جا که تجربه‌ی مناسبی را مورد ایجاد کانون به‌دست آورده بودند از همان ابتدای فعالیت برای تشکیل انجمن حرفه‌ای بر آن شدند تا برای کسب موفقیت انجمن با قبول و مشارکت چند تن از فارغ‌التحصیلان داخل کشور موضوع را پیش ببرند.

به این دلیل بود که در اواخر بهمن ماه ۱۳۵۱، شادروانان پرویز نبوی و شاهرخ بهنام به دفتر این‌جانب (مؤسسه‌ی حسابرسی خبره) آمده و از بنده خواستند تا به اتفاق ایشان به دفتر شادروان مهدی سمیعی رفته و در مورد تأسیس انجمن حرفه‌ای جدید به بحث بپردازیم. ضمن این‌که دعوت آقایان باعث خوشحال من شد، اما نگرانی شدید در من ایجاد شد چون به‌عنوان تنها فرد تحصیل‌کرده‌ی داخل کشور می‌بایست با تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان خارج از کشور به بحث و جدل پردازم. به‌هر حال این‌جانب با نام شادروان مهدی سمیعی آشنایی داشتم و آگاه بودم که ایشان در گذشته چندین سال مدیر سازمان برنامه و چند سال نیز رئیس کل بانک مرکزی ایران بودند. از این رو بسیار مشتاق دیدار با ایشان بودم، وقتی در مقابل خود ایشان را دیدم، بی‌اختیار مجذوب برخورد متواضعانه و چهره‌ی مهربان و دوستانه‌ی وی شدم و بعد از مدتی کوتاه زمانی که با عقاید و باورهای ایشان آشنا شدم، با احساس رضایت از افتخاری که نصیب شده بود، ایشان را مدیری مدبر، انسانی آزاد و عادل و فردی شایسته و بی‌طرف در مورد مسائل حرفه‌ی و به‌ویژه مساوی شناختن حقوق فارغ‌التحصیلان داخل و خارج، یافتم. به این دلیل ضمن سپاسگزاری از حسن نیت ایشان برای مشارکت دادن تعدادی از

خمارلو (شرکای این‌جانب در مؤسسه‌ی حسابرسی خبره)،

۲- آقای بهروز وقتی و آقای رسول محمدی سالک (شرکای مؤسسه‌ی حسابرسی رازدار)،
۳- آقای سیدمحمد صادق بهشتی‌زاده (دارای سابقه‌ی کار مفید در مؤسسه‌ی حسابرسی دقیق).
با توجه به مطالب یادشده، تصمیم گرفته شد تا مجمع اعضای مؤسس انجمن، شامل ۱۳ نفر از فارغ‌التحصیلان خارج و ۶ نفر از فارغ‌التحصیلان داخل به زودی برگزار شود و مراحل قانونی ثبت انجمن در زمانی معقول به انجام برسد.

با فرارسیدن روز مجمع، اعضای مؤسس انجمن که در محل سالن اجتماعات سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد. چون تعداد فارغ‌التحصیلان خارج به ۲۳ نفر افزایش یافته بود، این امر مورد اعتراض فارغ‌التحصیلان داخل واقع شد و پس از بحث و گفت‌وگوهای زیاد و عنوان شدن برخی مطالب غیرحرفه‌ای توسط تنی چند از فارغ‌التحصیلان جوان و تازه‌وارد خارجی (در این‌جا از ذکر جزئیات صرف‌نظر می‌کنم) با خروج اعتراض‌آمیز آقایان بهروز وقتی و سید محمد صادق بهشتی‌زاده از جلسه، جمع فارغ‌التحصیلان داخل به ۴ نفر کاهش یافت که با تلاش و بحث‌های مستدل از طرف این‌جانب و حمایت کامل سه یار و همکار حاضر در جلسه، موفق شدیم تعداد اعضای مؤسس فارغ‌التحصیلان ایران را به ۱۳ نفر افزایش دهیم و در نتیجه تعداد کل اعضای مؤسس به ۳۶ نفر بالغ شد. در ادامه‌ی جلسه، انتخاب اولین اعضای شورای عالی انجام شد که چون فقط یک نفر از اعضای فارغ‌التحصیل ایران امکان حضور در ترکیب شورای عالی را داشت، برای آرام شدن جو جلسه و ایجاد آرامش در جلسه‌های آتی شورا، آقای رسول محمدی سالک (فردی بردبار و با حوصله) از طرف فارغ‌التحصیلان داخل انتخاب شد و در ترکیب اولین شورای انجمن قرار گرفت. بالاخره در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۲، مراحل ثبت انجمن تکمیل شد و این انجمن به‌طور قانونی فعالیت خود را آغاز کرد و



رسول محمدی سالک

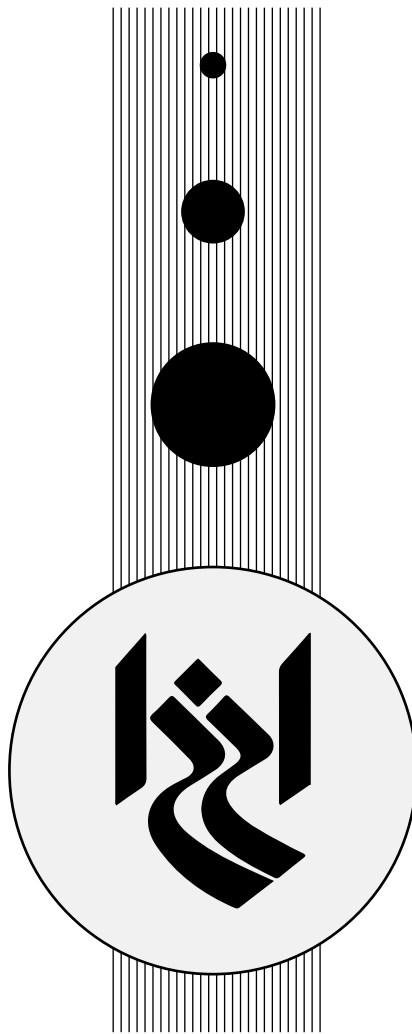
فارغ‌التحصیلان ایران در تأسیس انجمن حرفه‌ای و مستقل مطابق با استانداردهای پذیرفته شده‌ی بین‌المللی، و در اعتلای کیفی خدمات حسابرسی و حسابداری در ایران و تربیت و پرورش حسابداران متعهد و صادق به انجام وظایف حرفه‌ای، از ایشان درخواست کردم تا چند نفر دیگر از فارغ‌التحصیلان داخل کشور که در آن موقع به کار حرفه‌ای اشتغال داشتند و مورد تأیید همگان بودند، به جمع اعضای انجمن، اضافه شود. این موضوع بلافاصله مورد موافقت ایشان قرار گرفت و با این ترتیب افراد پیشنهادی این‌جانب به شرح زیر با تأیید شادروانان پرویز نبوی و شاهرخ بهنام به‌عنوان اعضای مؤسس مورد موافقت واقع شد:

۱- شادروان عزیزالله علمیان و آقای داوود

به تدریج با توجه به ضوابط و مقررات تعیین شده به شمار اعضای آن افزوده شد.

اما نکته‌ی مهم این بود که با توجه به همسانی کامل و اهداف مشترکی که بین اعضای مؤثر و کاردان انجمن با افراد شایسته و قدیمی که در کانون حسابداران رسمی وجود داشتند (شادروان ابولقاسم خردجو رئیس هیأت مدیره، شادروان ضیاءالدین شهیدی نایب رئیس هیأت مدیره، آقای بهروز وقتی دبیر کل کانون) موجب شد تا تعدادی از حسابداران رسمی که به رعایت آیین رفتار حرفه‌ای بی‌اعتنا بودند یا به طور جدی از رعایت کامل ضوابط حرفه‌ای در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود بهرمنند نبودند، از ادامه‌ی کار در حرفه محروم شوند و در مورد تعداد قابل توجهی از حسابداران رسمی نیز پس از رسیدگی و اظهار نظر کمیته‌ی رسیدگی به شکایت‌ها، پرونده‌ی آن‌ها در کمیته انضباطی (این جانب در تمام مدت عمر کانون حسابداران رسمی به عنوان رئیس کمیته انجام وظیفه می‌کردم) مطرح و برای ۱۷ نفر از آن‌ها به علت قصور و بی‌اعتنایی به ضوابط و مقررات حرفه‌ای و یا به علت عدم آگاهی و نداشتن اطلاعات کافی به طور خلاصه عدم آشنایی به نحوه‌ی کار حرفه‌ای و عدم صلاحیت کافی، تقاضای تعلیق آن‌ها به شورای عالی کانون تسلیم شد که با وقوع انقلاب اسلامی، فرصت کافی برای کنارگذاشتن آن‌ها فراهم نشد. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد، به علت حذف فصل هفتم قانون مالیات‌های مستقیم توسط شورای انقلاب اسلامی، کانون حسابداران رسمی عملاً منحل و حسابداران رسمی و به تبع آن اکثر مؤسسه‌های حسابرسی به حالت نیمه تعطیل درآمدند و یا با انحلال کامل مواجه شدند.

انجمن حسابداران خبره نیز از عوارض ناشی از انحلال کانون حسابداران رسمی بی‌بهره نبود، زیرا اکثریت اعضای شورای عالی انجمن و نیز اعضای مؤثر آن از فعالیت در حرفه کناره‌گیری و بیش‌تر آن‌ها به خارج از کشور عزیمت کردند و عملاً فعالیت‌های حرفه‌ای انجمن برای مدت



زمان طولانی به حالت تعلیق درآمد. تا این که بعضی افراد که غالباً با حرفه‌ی مستقل حسابداری و حسابرسی آشنایی نداشتند، مسئولیت اداره‌ی انجمن را برعهده گرفتند و به استثنای آقایان پرویز جواهری و علی روستا که به‌حق توانایی اداره‌ی انجمن را دارا بودند و برای دوره‌ی کوتاه سعی در احیای انجمن داشتند (البته آقای جواهری به خارج از کشور مهاجرت کرد و برای مدت زمان کوتاه نیز علی روستا که فردی مطلع در امور حرفه بود و ریاست انجمن را عهده‌دار شد، بنا به دلایل شخصی خیلی زود از انجمن و به‌طور کلی از حرفه خارج شد) و در نتیجه‌ی نبود مدیریت باثبات و کارآمد و نیز فشارهای وزارت کشور مبنی بر عدم شناسایی انجمن به عنوان یک نهاد حرفه‌ای، خطر انحلال و از بین رفتن این

تشکل حرفه‌ای و مستقل تشدید شده بود. با ورود آقایان غلامرضا سلامی و هوشنگ خستونی به شورای عالی و تلاش قابل توجه آن‌ها در چندین دوره‌ی متوالی به‌عنوان رئیس شورا و خزانه‌دار، بالاخره فعالیت انجمن از طرف وزارت کشور به رسمیت شناخته شد و به تدریج به تعداد افراد آن افزوده شد تا جایی که در شرایط کنونی، تعداد اعضا به حدود ۷۵۰۰ نفر رسیده است که از نظر کمی، پتانسیل بسیار مهمی برای انجمن محسوب می‌شود اما آن‌چه در خور اهمیت است، موضوع نظارت بر اعضا است. در این مورد هیچ‌گونه راه‌کاری اندیشیده نشده است و به همین دلیل عملکرد تعداد زیادی از اعضا که در سراسر کشور به عنوان عضو انجمن حسابداران خبره و با یدک کشیدن عنوان حسابدار مستقل وابسته به انجمن فعالیت می‌کنند، اشکال‌های زیادی را فراهم آورده است که باید هرچه زودتر در اجرای مواد هشتم و نهم اساس‌نامه‌ی انجمن در جهت ارتقای کیفی اعضا و همچنین نظارت مستمر و مؤثر بر نحوه‌ی فعالیت آن‌ها، اقدامات لازم و جدی صورت پذیرد. البته مرکز آموزش انجمن که گویا به‌صورت مستقل عمل می‌کند، در برنامه‌های آموزشی خود برای کارمندان سازمان‌های مختلف که عمدتاً به صورت تئوری انجام می‌شود، موفقیت‌های زیاد کسب کرده و زحمت دست‌اندرکاران و مدرسان مرکز قابل تقدیر و سپاس‌گزاری است. اما همان‌طور که در بالا اشاره شد، باید با تشکیل کارگاه‌های آموزشی برای اکثریت اعضا، تدابیر لازم در نظر گرفته شود و هرچه زودتر مورد اجرا گذاشته شود.

امید است انجمن حسابداران خبره‌ی ایران که یک انجمن مستقل حرفه‌ای در کشور است، بتواند در آینده‌ی نزدیک در جهت اهداف و نیت‌های بزرگوارانی که آن را بنا نهادند، گام‌های مؤثری در اعتلای کیفی و منطبق بر استانداردهای بین‌المللی بردارد و در راه کمک به دولت جمهوری اسلامی ایران با تمام توان خود موفق باشد. ■